



Newly Discovered Aspects of the Mystical, Literary, and Artistic Life of Abd al-Rahim Khalwati

Ramazanali Izanloo

Head of the Department of Comparative Studies of Islam and Religions, Imam Reza International Research Institute. (Corresponding author)¹

Ali Ashraf Emami

Associate Professor, Department of Comparative Religions and Mysticism, Ferdowsi University of Mashhad²

Abstract

Abd al-Rahim Khalwati (d. 1455 A.D, Tabriz) was among the distinguished but little-known mystics, poets, and calligraphers of the 15th century A.D. Although scattered references to his biography, works, and mystical, literary, and artistic persona appear sporadically in certain classical sources, no comprehensive study has thus far been undertaken. This article therefore seeks to bring this overlooked figure from obscurity into visibility. By consulting primary sources, manuscript catalogues, online codicological databases, and through direct examination of Khalwati’s extant manuscripts, the study identifies newly discovered materials and reveals previously unnoted dimensions of his life, writings, and intellectual contributions as an interpreter of Ibn Arabi’s school. The present research aims to provide updated, precise, and comprehensive information on this influential figure, adding new insights to earlier findings, shedding light on ambiguities, and correcting certain misconceptions. Among the innovations of this study are the identification of Khalwati’s indebtedness to the thought of Ibn Arabi and the Ḥurufiyya, his Shi’i inclinations, the recognition of his manuscript works, and the delineation of his literary and artistic position. The article first introduces the newly located sources and references, and subsequently presents the fresh data and findings derived from them in three domains: mysticism, poetry, and calligraphy.

Keywords: Abd al-Rahim Khalwati, manuscripts, mystic, poet, calligrapher, Ḥurufiyya, Ibn Arabi,

1. E-mail: ramazanaliizanloo@gmail.com

2. E-mail: 169emami@gmail.com



نویافته‌هایی از حیات عرفانی، ادبی و هنری عبدالرحیم خلوتی

رمضانعلی ایزانلو

عضو هیئت علمی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

مدیر گروه مطالعات تطبیقی اسلام و ادیان پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (ع) جامعه المصطفی العالمیه خراسان، (نویسندهٔ مسئول)^۱

علی اشرف امامی

دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

عبدالرحیم خلوتی (متوفی ۸۵۹ ق در تبریز)، از عرفا، شعرا و خوشنویسان برجسته اما گمنام قرن نهم هجری به شمار می‌رود. دربارهٔ زندگی نامه، آثار و شخصیت عرفانی، ادبی و هنری ایشان هرچند جست‌وجو و گریخته در لابلای برخی از منابع کهن، اشاره‌ای گذرا به این شخصیت شده است، تاکنون کار جامعی انجام نشده است. از این رو در این نوشتار سعی بر این است که این عارف ناشناخته را از خلوت به جلوت آوریم و با بررسی منابع دست اول، فهرس نسخ خطی، پایگاه‌های برخط نسخه‌شناسی و مطالعه و تورق آثار خطی عبدالرحیم خلوتی، ضمن شناسایی منابع و مآخذ نویافته، ناگفته‌های از زندگی، آثار و اندیشه‌های عرفانی، ادبی و هنری این شارح مکتب ابن عربی برای خوانندگان بازگو کنیم. نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی منابع تازه‌تر و نویافته، اطلاعات به‌روز، جامع و دقیق از این شخصیت تاثیرگذار عرضه کند و چند برگگی بر یافته‌های گذشتگان بیافزاید و پرتوی بر برخی نکات مبهم و اصلاح برخی از پندارها بیاندازد. تاثیرپذیری عبدالرحیم خلوتی از اندیشه‌های ابن عربی و حروفیه، تمایلات شیعی، شناسایی آثار خطی و ترسیم جایگاه ادبی و هنری او از جمله این نوآوری‌ها می‌باشد. در این مقاله نخست منابع و مآخذ تازه یافته معرفی شده و سپس داده‌ها و اطلاعات نویافته از این منابع به عنوان نتایج و دستاوردهای این نوشتار در سه عرصهٔ عرفان، شعر و خوشنویسی آمده است.

کلیدواژه‌ها: عبدالرحیم خلوتی، نسخ خطی، عارف، شاعر، خوشنویس، حروفیه، ابن عربی.

«تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ | تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸»

۱. رایانامه: ramazanaliizanloo@gmail.com

۲. رایانامه: 169emami@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

درباره برخی از عرفا و شعرا، اطلاعات و داده‌های موثق و درخوری جز نام و نشان‌شان باقی نیست یا در شرایط بهتر، فقط به شکل ناقص و جسته‌گریخته از خلال برخی از تذکرها می‌توان به شرح احوال آنان دست یافت. عبدالرحیم خلوتی، عارف، شاعر و خطاط تبریزی در قرن نهم از جمله این مشاهیر است. با اینکه به دلیل ذوالفنون بودن خلوتی در سه عرصه ادبیات، عرفان و خوشنویسی، ابن کربلایی به حق او را «جامع فضایل و کمالات» دانسته است (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۸/ص ۸۶)، عبدالرحیم خلوتی چندان در حوزه عرفان، ادبیات و هنر شناخته شده نیست و همچنان که بررسی و مطالعه ما نشان می‌دهد تا کنون مقاله و تک‌نگاشته‌ای مستقل درباره زندگی، آثار و اندیشه‌های او منتشر نشده است و همچنین هیچ‌کدام از آثار عرفانی ایشان تصحیح و چاپ نشده است. از این رو ضروری است، محققان عرصه عرفان، ادبیات و هنر درباره حیات و اندیشه‌های عرفانی، ادبی و هنری او دست به قلم ببرند و آثار خطی او را تصحیح کنند. این مقاله در پی آن است تا با بررسی تذکرها و فهرس نسخ خطی و شناسایی و معرفی منابع کهن درباره شخصیت عرفانی، ادبی و هنری عبدالرحیم خلوتی و مطالعه و تورق آثار خطی او، درون مایه و محتوایی برای این محققان فراهم و راه را برای پژوهش‌های جامع و تخصصی هموار کند و همچنین برخی از اشتباهات نسخه‌شناسان را تصحیح کند. شناسایی آثار خطی ابن عارف تبریزی و ذکر محل نگهداری این نسخ خطی از دیگر اهداف این مقاله می‌باشد.

پیشینه

تنها مدرک تاریخی که شرح مفصلی از زندگی عبدالرحیم خلوتی به دست داده است، کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* حافظ حسین ابن کربلایی (تالیف ۹۷۵ ق) است که معتبرترین و مهم‌ترین تذکره در شرح حال دانشمندان، صوفیان و اولیای تبریز به شمار می‌رود (لوئیسون، ۱۳۶۸ ش: ۳۰). همچنین شرح حال خلوتی در کتاب *روضه اطهار* ملامحمد امین حسری تبریزی انصاری آمده است. این تذکره تلخیص *روضات الجنان* بوده و با اضافات و حذف‌هایی در سال ۱۰۱۱ - یعنی به فاصله ۳۶ سال پس از آن - تالیف شده است (دولت آبادی، ۱۳۷۷ ش: ۵). سایر منابع و مدارک دیگر که به زندگی خلوتی پرداخته‌اند، به این دو ماخذ استناد کرده‌اند و چیزی به آن دو نیفزوده‌اند.

در میان معاصران، تنها لئونارد لوئیزن در مقاله‌ای با عنوان «مشرقی تبریزی، عارف گمنام قرن نهم هجری» (۱۳۶۸) به شرح حال و اندیشه‌های عرفانی عبدالرحیم خلوتی بر اساس دیوان شعر او پرداخته است. هرچند در انتساب این دیوان به او اشتباه کرده است. میرعبادینی در مقدمه *دیوان شمس مشرقی* نظر لوئیزن را رد می‌کند و بر این باور است که:

«در همه ماخذ موجود، از نسبت عبدالرحیم خلوتی فرزند کهنتر مولانا شمس الدین به مشرقی و اقطابی ذکری نرفته است و آشکار نیست استاد فرزانه چگونه به ناروا عبدالرحیم خلوتی را به جای شمس الدین محمد اقطابی مشرقی شناسانده‌اند و خصوصیات پدر را به پسر نسبت داده‌اند» (۱۳۸۲ ش: ۱۳-۱۵).

اطلاعات سایر محققان درباره عبدالرحیم خلوتی برگرفته از این سه منبع است و داده نوی عرضه نکرده‌اند. از این رو ضرورت دارد تا با بررسی منابع تازه‌تر و نویافته و مطالعه آثار خطی خلوتی، اطلاعات به روز، جامع و دقیق از این شخصیت تاثیرگذار عرضه کرد، چند برگی بر یافته‌های گذشتگان افزود، پرتوی بر برخی نکات مبهم انداخت و به اصلاح برخی از پندارها پرداخت.

زندگی نامه عبدالرحیم خلوتی

خواجه عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطابی مشرقی تبریزی (متوفی ۸۵۹ ق در تبریز)، عارف، خطاط و شاعرو مشهور به خلوتی است. خلوتی در دواثر خود یعنی شرح النصوص قونوی با عبارت «نورالدین عبدالرحیم الخلوتی بن شمس الدین المشرقی» (برگ ۳) والدقایق فی معرفه الحقایق (صفحه عنوان نسخه خطی کتابخانه ملی، تصویر ۲) از خود با عبارت «نورالدین عبدالرحیم الخلوتی ابن شمس محمد الاقطابی المشرقی التبریزی» یاد کرده است.

درباره تاریخ دقیق تولد او اطلاعی در دست نیست. با توجه به کتابت صحیفه سجاده با ترجمه ای کهن به فارسی^۱ به قلم عبدالرحیم خلوتی در سال ۷۹۱ ق و اینکه از این تاریخ تا زمان درگذشت خلوتی در غره محرم سال ۸۵۹ ق، ۶۸ سال فاصله است، می توان حدس زد که وی این اثر را احتمالاً زمانی که سن و سال چندانی نداشته، کتابت کرده است. در غیر این صورت یا باید عمر درازی برای وی تصور کنیم یا تاریخ فوتش را نادرست بدانیم (قاسمی، ۱۳۹۴ ش: یازده). البته با نگاهی به کیفیت خط این اثر (تصویر ۱)، و با توجه به ذکر نام خلوتی در منابع به عنوان خطاط برجسته، به نظر می رسد او این اثر را در دوران نوجوانی کتابت کرده است. همچنین ابن کربلایی، صاحب روضات الجنان از دیدار خلوتی با کمال خجندی که زمان فوت او در تذکره ها با تاریخ های متفاوتی از ۷۹۲ تا ۸۰۸ ق ذکر شده، در دوران طفولیت خلوتی حکایت کرده است (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/صص ۸۴-۸۵) و او را از مریدان شمس مغربی می داند که در سفر و حضر ملازم وی بوده و به مغربی ارادت خاص داشته است و در سال ۷۹۵ ق در سلطانیه توبه گرفته و در ۸۰۳ ق در گیلان تلقین یافته است (ابن کربلایی، ص ۳۶۷ به نقل از میرعابدینی، ۱۳۵۸ ش: ۹). از این رو با توجه به این داده ها، سال تولد او را بین سال های ۷۷۵ تا ۷۸۰ می توان حدس زد.



تصویر ۱: صحیفه سجاده به کتابت عبدالرحیم خلوتی

۱. این ترجمه از قدیمی ترین ترجمه های شناخته شده صحیفه سجاده به زبان فارسی به شمار می رود و زمان ترجمه به احتمال زیاد قرن هفتم هجری بوده است.

خلوتی در شهر تبریز به دنیا آمد. او در پایان یکی از آثار خود به نام شرح النصوص مفتاح الفصوص صدر الدین قنوی آورده است که نگارش آن را دوازدهم جمادی الثانی ۸۵۱ ق در تبریز به پایان رسانده است (دغیم، ۱۴۳۷ ق: ۶/صص ۱۴۲-۱۴۴؛ برگ آخر نسخه خطی همین اثر)، نشان می‌دهد که خلوتی تا پایان عمرش از این شهر خارج نشده است. درباره اینکه چرا عبدالرحیم خلوتی به خلوتی مشهور و ملقب شده است، در هیچ یک از منابع مورد مطالعه اشاره‌ای نشده است. همچنین او ارتباط و پیوندی با سلسله خلوتیه، گسترده‌ترین طریقت تصوف در آسیای صغیر، ندارد و در منابع دست اول این طریقت، یادی از عبدالرحیم خلوتی نشده است. هرچند نام عبدالرحیم رومی (کاشفی، ۱۳۵۶ ش: ۲/ص ۴۲۷) و عبدالرحیم مرزیفونی (طاش کوپری زاده، ۱۴۰۵ ق: ۶۷، ۶۹-۷۰) در شمار مریدان زین الدین خوافی آمده اما از عبدالرحیم خلوتی سخنی به میان نیامده است.

ابن کربلایی، تبار و دودمان خلوتی را از نخجوان و نسبش را به ضیاء الملک عثمانی مشهور به نخجوانی می‌رساند (همو، ۱/ص ۸۳) که بانی بستن پلی بر روی رود ارس در حدود قصبه کرکر آذربایجان بود (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۰۲). همچنین در صفحه عنوان کتاب الدقائق فی معرفة الحقایق، نسخه کتابخانه ملی، اصل و نسب خلوتی آمده است که موید نظر ابن کربلایی است (بنگرید به تصویر ۲).

عبدالرحیم خلوتی در غره محرم سال ۸۵۹ ق دارفانی را وداع گفت و در قبری که پدرش در حظیره بابامزید در ایام حیات برای خود تدارک دیده بود، به خاک سپرده شد. شمس الدین محمد مشرقی، پدر مولانا در سفر حج در حلب به سال ۸۱۲ ق درگذشت و در همان جا دفن شد (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/صص ۸۴ تا ۸۸). حظیره بابامزید در جوار مقبرة الشعرا کنونی تبریز است و شعرا مشهوری چون همام تبریزی، شمس مغربی و... در آن جا مدفون اند (دولت آبادی، ۱۳۷۷ ش: ۱/ص ۱۹۱).

آثار

بیشتر آثاری که خلوتی به رشته تحریر درآورده است، در موضوع عرفان می‌باشد و شوربختانه هیچ کدام از آثار خطی وی، تصحیح و چاپ نشده است. ابن کربلایی در این باره می‌گوید:

«حضرت خواجه (خلوتی) را تصانیف خوب هست خصوصاً در علم تصوف، مثل مفاتیح الغیب و حاشیه بر شرح اصطلاحات شیخ عبدالرزاق کاشی و شرح نصوص شیخ صدر الدین محمد قونیوی و شرح بر قصیده میمیه خمیه فارضیه و رساله سنه سرمدیه و رساله مرآة العباد فی معرفة المعاد و شرح بر رباعی حورائیه (ابوسعید ابوالخیر) و شرحی بر بعضی از ابیات مشکله گلشن راز و غیرهم» (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/صص ۸۴-۸۸؛ نفیسی، ۱۳۴۴ ش: ۲/ص ۷۹۵).

همچنین ابن کربلایی آورده است که: «خواجه عبدالرحیم خلوتی تصنیفی کرده با اسم سامی شیخ شاه ابراهیم صفوی نسب ایشان را این طرز بیان فرموده که ابراهیم العلوی الموسوی» (۱۳۴۹ ش: ۱/ص ۲۲۵). نیز آمده است که خلوتی شعر می‌سرود و دیوانی از او در دست است (تربیت، ۱۳۱۴ ش: ص ۱۴۱؛ آقابزرگ، ۳/ص ۲۴۰).

شخصیت عرفانی خلوتی

عبدالرحیم خلوتی از عرفای بزرگ قرن نهم به شمار می رود و بنا به گفته این کربلایی «عالم راسخ دین قویم و عارف قائم بر نهج طریق مستقیم. از اکابر و افاضل روزگار و اهالی اخیار بوده و به جامعیت فضایل و کمالات وی در آذربایجان کسی پیدا نمی شده است» (۱۳۴۹ ش: ۱/ص ۸۶). و حشری تبریزی او را از اکابر دین و پیشوایان طریق یقین می داند که دائماً در ترویج شریعت مقدسه و طریقت مطهره تأکید بلیغ داشتند (حشری، ۱۳۷۱ ش: ص ۱۱۰).

او در ابتدا همچون پدرش، شمس الدین محمد مشرقی، مرید شمس مغربی (۷۴۹-۸۰۹ ق) بود. پس از چندی به خدمت جمعی از بزرگان مثل سلطان خواجه علی صفوی (معروف به خواجه علی سیاه پوش متوفی ۸۳۰ ق)، شیخ زین الدین خوافی (۷۵۷-۸۳۸ ق) و شیخ کمال خجندی نیز رسید (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/ص ۸۳).

خلوتی چون به درجاتی رسید، شاگردانی چون مولانا یار احمد و محمد بن بهاء الدین بن محمد عباسی سنقری همدانی تربیت کرد و آثار عرفانی اش را به ایشان آموخت (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۲/ص ۲۰۵؛ سخاوی، ۹/ص ۲۰۶). تدریس آثار عرفانی او، بیانگر جایگاه عرفانی خلوتی در آن دوره است.

مظفر بزازی، قاضی و فقیه بلند آوازه تبریز در نیمه دوم قرن نهم هجری در مورد مقام خلوتی گفته است: «هرچند ملاحظه می کنم، دوست سال قبل از زمان خواجه عبدالرحیم به فضل و کمال وی در تبریز کسی پیدا نشده، الحق چنین بوده» (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/ص ۸۶).

خلوتی از شارحان مکتب ابن عربی

یکی از ویژگی های تصوف در دوره عبدالرحیم خلوتی یعنی در قرن هشتم و نهم، تأثیر عظیم ابن عربی بر تصوف ایرانی است. سهم عمده او و شارحان آثارش در تأسیس عرفان نظری در ایران قابل توجه است. از حدود ۱۵۰ شرحی که بر کل یا جزئی از فصوص الحکم نوشته شده و عثمان یحیی آنها را فهرست کرده، ۱۳۰ اثر را صوفیان ایرانی به عربی یا فارسی نوشته اند (رجوع کنید به آملی، ۱۳۶۸ ش، مقدمه کوربن، ص چهارده).

آثار خلوتی که پیش از این به آنها اشاره شد، بیشتر در شرح آثار ابن عربی و شاگردان او چون صدرالدین قونوی، قیصری و همچنین شبستری است. می توان این نتیجه را گرفت که او در عرفان نظری تبهر داشت و از کسانی است که در نشر افکار ابن عربی در آذربایجان موثر بود و از مدرسان آثار آنان نیز به شمار می آمد (موحد، ۱۳۹۰ ش: صص ۳۴۷، ۳۵۱) و سخت تحت تأثیر اندیشه های عرفانی چون نظریه وحدت وجود ابن عربی و شارحان او بوده است. عبدالرحیم خلوتی همچون استاد خود شمس مغربی از زبان شعر برای تبیین آموزه وحدت وجود ابن عربی بهره گرفته است.

دو غزل که از حیث مضمون با آموزه وحدت وجود همخوانی دارد، در ادامه می

ای ز تو عالم چو از مه یک شعاع	کس ندارد با تو در هستی نزاع
پیش میدان فصیح علم تو	عالم سفلی و علوی یک ذراع
زین حضيض ای دل برآ تا آفتاب	پرده بگشاید ز اوج ارتفاع

اتباع ظن به غولانت دهد
 از پی جام شراب اتصال
 علم تو اینجا نمی آید به کار
 پیش هر نادان مگو اسرار غیب
 گر رسانندت به اوج مطلع
 می ببايد کرد وقت این سفر
 یا به کلی باید از سر درگذشت
 خلوتی با توست اینها دور کن

بر یقین رو راه کشف و اتباع
 می ببايد از دو عالم انقطاع
 جای دیگر بایدت برد این متاع
 کل سرّ جاوز الاثنین شاع
 بر تو باید کس نیابد اطلاع
 با خود و با خویش و پیوندان وداع
 یا نباید خویش را دادن صداع
 پنبه غفلت ز گوش استماع

(نسخه خطی مجمع الشعراء، برگ ۲۹۸)

این چه فرصت چه کرامت چه وصال است اینجا
 لب آب و می ناب و طرب و حسن و مآب
 با چنین دولت و اقبال و همه جاه و جلال
 طوطی حکمت از این آینه گیرد تلقین
 حسن خوبان جهان با خط و خال افزایش
 تخته هستی خود را به کناری انداز
 در جهانی که شوی دور شب است و مه و سال
 صدهزاران دل آواره ز هر سو همره
 خلوتی بر در شاهان همه منع است و دفاع

که حیاتی بجز از وصل محال است اینجا
 صاحب حال شناسد که چه حال است اینجا
 روز و شب کشف و تجلی جمال است اینجا
 قمری ناطقه بی منطق و لال است اینجا
 حسن خوبی همگی بی خط و خال است اینجا
 بر حذر باش که دریای کمال است اینجا
 نه شب و روز و نه ماه است و نه سال است اینجا
 با نسیم سحر و باد شمال است اینجا
 مگر این در که به تقدیم و تعال است اینجا

(نسخه خطی یوگسلاوی، برگ ۳۸)

منابع و ماخذ نویافته

با بررسی منابع دست اول، فهرس نسخ خطی و پایگاه‌های برخط نسخه‌شناسی و همچنین مطالعه و تورق آثار خطی عبدالرحیم خلوتی، به اطلاعات، منابع و ماخذ نویافته درباره او دست یافتیم که در منابع کهن ذکر شده در پیشینه این مقاله و محققان معاصر از آنها سخنی به میان نیامده است. از این رو به معرفی این منابع در سه زمینه عرفان، شعر و خوشنویسی می‌پردازیم.

الف. عرفان

۱- نسخه خطی کتاب الدقایق فی معرفة الحقایق^۱ موجود در کتابخانه ملی

از این اثر دو نسخه خطی موجود است؛ نسخه‌ای از آن به عنوان دقایق در معرفت حقایق در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۸۶۰ که ناقص الآخر (تا فصل هشتم) است (ولایی، ۱۳۲۵، ش: ۴، ص ۲۲۰). نسخه کاملی از این اثر در کتابخانه ملی به شماره ۳۲۲۳۷-۵ وجود دارد که تالیف آن در دهه اول محرم ۸۲۵ ق به پایان رسیده است (تصویر ۵). از این دو نسخه، فهرست نویسان فقط به نسخه کتابخانه آستان قدس اشاره کرده‌اند و سخنی از نسخه کتابخانه ملی به میان نیامده است.

۲- نسخه خطی شرح النصوص مفتاح الفصوص

خلوتی شرح کتاب النصوص مفتاح الفصوص صدرالدین قونوی را با عنوان شرح النصوص مفتاح الفصوص در دوازدهم جمادی الثانی ۸۵۱ ق در تبریز به پایان رسانده است و فیض الله بن مصطفی، این نسخه را در تاریخ ۱۱۲۵ ق در قسطنطنیه کتابت کرده است (دغیم، ۱۳۴۷ ق: ۶/ صص ۱۴۲-۱۴۴). نسخه‌ای از این اثر به شماره ۶۹۹ در کتابخانه راغب پاشای استانبول موجود است.

۳- سایر آثار خطی عبدالرحیم خلوتی و محل نگهداری آنان

آقابزرگ در الذریعه آورده است که نسخه‌ای از مفاتیح الغیب خلوتی را که در علم حروف و اسرار بوده، در مجموعه‌ای نزد شیخ صالح جزائری دیده است (۲۱، ص ۳۰۵). همچنین در کتابخانه آیت الله حکیم عراق، نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۶۸۳ موجود است (زوبین و دیگران، ۱۳۹۰، ش: ص ۸۵۴). در سامانه فهرستگان نسخ خطی کتابخانه ملی، به دلیل اشتباه تایپی، عبدالرحمن خلوتی به عنوان مولف این اثر ذکر شده است.

نسخه‌ای از شرح خلوتی بر رباعی ابوسعید ابوالخیر میهنی معروف به حورائیه در کتابخانه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری به شماره ۲۷۹۹/۳۵ به تاریخ کتابت ۱۰۷۴ ق موجود است (<https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do>). یک نسخه دیگر از این اثر در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه به شماره ۷۰۲ در مجموعه رسائل موجود است. این نسخه اگرچه تاریخ کتابت ندارد اما تاریخ کتابت یکی از رسائل مجموعه ۱۰۰۲ ق است.

حاشیه خلوتی بر معالم التنزیل فی تفسیر القرآن بغوی فزّاء، ابومحمد حسین بن مسعود، مفسر، محدث و فقیه شافعی سده پنجم و اوایل سده ششم در سال ۸۲۰ ق که نسخه‌ای از آن به شماره ۹۲۷۳ در کتابخانه ملی موجود است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران: ج ۱۷).

نسخه‌ای از شرح خلوتی بر بعضی از ابیات مشکل گلشن راز شبستری در کتابخانه دانشگاه هاروارد (مجموعه فرانسویس هوفر) موجود است (نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر ۴، ص ۶۰).

۱. نگارنده این مقاله، تصحیح این اثر را به سرانجام رسانده است. ان شاء الله در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

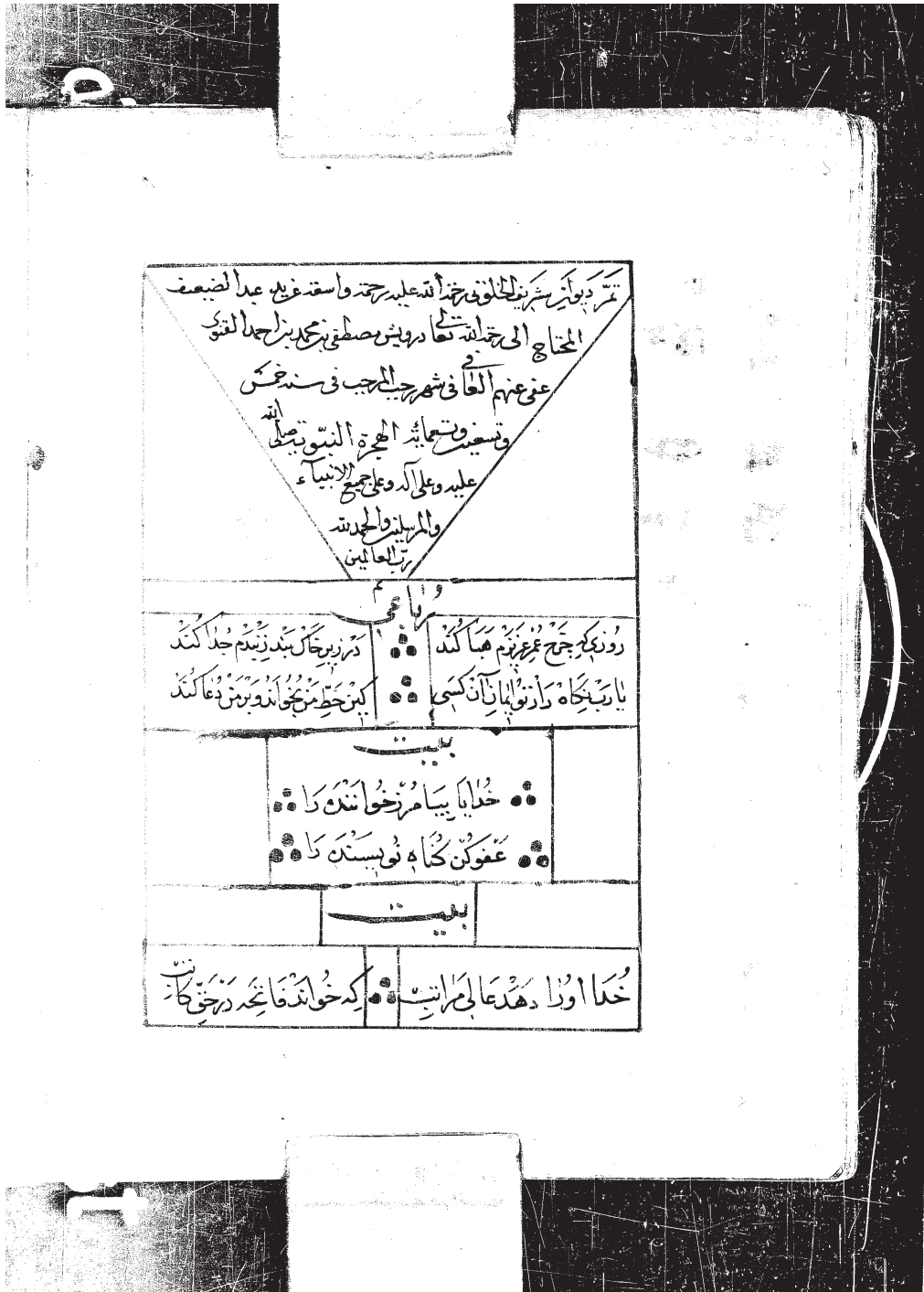
عثمان یحیی، از ابن عربی شناسان، در مقدمه‌ای که بر کتاب نص النصوص سید حیدر آملی نوشته است، شرح‌های فصوص را فهرست کرده و از شرح فصوص الحکم عبدالرحیم خلوتی نام می‌برد و می‌نویسد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی راغب پاشا (استانبول) تحت رقم ۶۹۹ موجود است (همو، ص ۲۹). با مراجعه به فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی راغب پاشا و رویت تصویر این نسخه از سوی نگارنده‌ی این نوشتار، مشخص شد که نسخه‌ی یادشده شرح فصوص نیست بلکه شرح کتاب النصوص مفتاح الفصوص صدر الدین قونوی به شماره ۶۹۹ است که خلوتی نگارش آن را با عنوان شرح النصوص مفتاح الفصوص دوازدهم جمادی الثانی ۸۵۱ ق در تبریز به پایان رسانده و فیض الله بن مصطفی، این نسخه را در تاریخ ۱۱۲۵ ق در قسطنطنیه کتابت کرده است (دغیم، ۱۳۴۷ ق: ۶، صص ۱۴۲-۱۴۴). همچنین کاتب یا شخص دیگری در صفحه‌ی عنوان این نسخه به آثار خلوتی اشاره می‌کند و چنین عبارتی می‌آورد: «وله مولفاتی منها کتاب المفاحص و کتاب المنهج و کتاب آخر فی التصوف علی طریق الحروف رایناه ولکن لم یسمیه و غیر ذلک» (تصویر صفحه‌ی عنوان) و آورده است که این نسخه را از نسخه‌ای که به خط مولف بوده، کتابت کرده است. هرچند کاتب بر این باور است که کتاب فی التصوف عنوان ندارد، همچنان‌که در بالا اشاره کردیم کتاب مفاتیح الغیب خلوتی در علم حروف و اسرار می‌باشد (آقابزرگ، ۲۱/ص ۳۰۵) و همچنین خلوتی در این اثر، از برخی آثار خود چون الشامل فی مصطلحات الصوفیه و المفاحص (برگ ۶) و مفاحص الاسرار فی شرح مشکوه الانوار (برگ ۳۰) نام برده است.

ب- شعر

خلوتی طبع شعر هم داشته است و دیوانی دارد (تربیت، ۱۳۱۴ ش: ص ۱۴۱؛ آقابزرگ، ۳/ص ۲۴۰). ضیاء الدین سجادی صاحب کتاب کوی سرخاب به اشتباه نسخه‌ای از دیوان او را در کتابخانه‌ی ملی تبریز نام برده است. البته ایشان چنین اشتباهی را تکرار کرده و محل نگهداری نسخه‌ی خطی دقائق در معرفت حقایق را، کتابخانه‌ی آصفیه می‌دانند. در صورتی که این نسخه در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود (۱۳۳۶ ش: ص ۱۸۶) و برخی نویسندگان با استناد به این اثر همین اشتباهات را تکرار کرده‌اند (موحد، ۱۳۹۰ ش: صص ۳۵۱-۳۵۲). علت این اشتباه، به عدم دقت و برداشت نادرست از منبع اصلی یعنی فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی برمی‌گردد (۱۳۴۸ ش: ج ۲/قسمت اول، ۱۳۴۶ ش، ۳/۲۳۲۰). بر اساس جستجو در فهرس خطی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مشخص شد که فقط چند برگ از دیوان خلوتی در ضمن برخی نسخ خطی به شرح ذیل آمده است:

یک برگ از دیوان خلوتی در نسخه‌های یوگسلاوی که میکروفیلم آن در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران موجود است، آمده است. در این نسخه آغاز و انجام پاره‌ای از نسخه‌های خطی که بیشتر شامل اشعاری به فارسی و ترکی و چند رساله از حروفیه است، آمده و ظاهراً نسخه‌ی کامل آن در کتابخانه‌های آن سامان موجود است. تاریخ کتابت نسخه ۹۹۵ ق می‌باشد (دانش پژوه، ۱۳۴۸، ۱/ص ۶۴۷؛ تصویر ۴). چهار برگ از این دیوان با عنوان دیوان شریف خلوتی، به تاریخ کتابت ۸۲۸ ق، کاتب اسحق بن محمد بن تغلقتمور سمرقندی فی بلده کرمان در کتابخانه‌ی عاطف افندی ترکیه (ضمن کتابخانه‌ی سلیمانیه) به شماره ۲۲۴۱/۱۳ موجود است (سبحانی، ۱۳۷۳). همچنین منتخبی از اشعار وی در نسخه‌ی شماره ۵۳۰ کتابخانه‌ی مجلس سنا به تاریخ کتابت قرن ۹ قمری با عنوان مجمع الشعراء (جامع الشعراء) از سالار نامی آمده است (دانش پژوه،

فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، ۱/ صص ۳۲۹-۳۲۴. دو بیتنی به زبان پهلوی آذربایجانی (فهلویات) از عبدالرحیم خلوتی در مجموعه اهدایی محمدصادق طباطبایی در کتابخانه مجلس آمده است.



تصویر ۴: برگ آخر دیوان خلوتی، نسخه یوگسلاوی

ج- خوشنویسی

دیباچه قطب الدین محمد قصه خوان (متوفی ۹۷۲ ق) بر مرقع شاه طماسب صفوی که در سال ۹۶۳ ق، ۱۲ سال پیش از کتاب *روضات الجنان* ابن کربلایی (تالیف ۹۷۵ ق) به رشته تحریر درآمده است، به ظن راقم این سطور، قدیمی ترین سندی است که از خلوتی به عنوان یک خطاط برجسته یاد کرده است. این اثر در بردارنده نکات مهم تاریخی و فنی درباره خوشنویسی، نقاشی و هنرهای سنتی ایران تا قرن دهم قمری است که سلسله استادی و شاگردی خطاطان را آورده است اما اطلاعات دیگری درباره زندگی و شخصیت عرفانی و ادبی خلوتی ارائه نکرده است.

گلستان هنرنوشته قاضی احمد منشی قمی از معدود منابعی است که اطلاعاتی را در شرح احوال خوشنویسان و نگارگران از جمله عبدالرحیم خلوتی در اختیار ما قرار می دهد. این اثر در عصر صفوی در سال ۱۰۰۶ ق نگارش یافته و در سال ۱۰۱۵ ق، نگارشی دیگر از آن با حذف و اضافات نسبت به نسخه قبلی صورت پذیرفته است.

صحیفه سجادیه با ترجمه ای کهن به فارسی به قلم عبدالرحیم خلوتی در سال ۷۹۱ ق کتابت شده که از نمونه های خط ایشان است (تصویر ۱). این اثر با عنوان *صحیفه سجادیه با ترجمه ای کهن به فارسی* (نسخه برگردان دستنویس شماره ۴۳۴ کتابخانه میرزا محمد کاظمینی یزد با گزارش نسخه شناختی و زبان شناختی مسعود قاسمی از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب در ۱۳۹۴ منتشر شده است.

مهدی بیانی نمونه ای از خط وی را در موزه طوپقاپوسرای به این مشخصات دیده است: یک قطعه از مرقع مالک دیلمی (۹۲۴-۹۶۹ ق)، به خط ثلث دودانگ جلی و رقاع و نسخ و توقیع کتابت جلی ممتاز، با رقم: «کتبه اضعف عباد الله تعالی واحوجهم الی عفوه عبدالرحیم الخلوتی ابن شمس التبریزی المشرقی» (بیانی، ۱۳۸۵ ش ۴/ص ۹۰).

یافته های نو

از این منابع و مآخذ تازه یافته، می توان یافته های زیر به عنوان نتایج و دستاوردهای این مقاله، در سه عرصه عرفان، شعر و خوشنویسی بیان کرد.

الف- عرفان

۱- کتاب *الدقایق فی معرفة الحقایق*، شرح فصوص ابن عربی یا شرح مقدمه قیصری

فهرست نویسان فقط به نسخه کتابخانه آستان قدس این اثر اشاره کرده اند و همه آنها و به تبع آنان نویسندگان دیگر (درایتی، ۱۳۸۶ ش: ۱۱/صص ۴۶۴-۴۶۵؛ سجادی، صص ۱۷۶-۱۷۷؛ موحد، ۱۳۹۰ ش: ص ۳۵۱)، این اثر را همچنان که مولف در مقدمه این نسخه آورده است، در جهت حل مشکلات و کشف معضلات کتاب *فصوص الحکم* ابن عربی دانسته اند (ولایی، ۱۳۲۵: ۴/ص ۲۲۰). در صورتی که در صفحه عنوان (تصویر ۲)، مقدمه (تصویر ۳) و پایان نسخه کتابخانه ملی آمده است که این کتاب شرح مقدمه قیصری است نه شرح فصوص اما در نسخه کتابخانه آستان قدس، سخنی از قیصری به میان نیامده است. از این رو فهرست نویسان نسخ خطی، این اثر را شرح فصوص دانسته اند.

معصومی و همکارانش در مقاله‌ای به معرفی و بررسی نسخ خطی شرح خلوتی تبریزی بر مقدمه شرح قیصری پرداخته‌اند (۱۴۰۲).

۲- کتاب الدقایق فی معرفة الحقایق، شرح یا ترجمه مقدمه قیصری

با مطابقت نسخه کامل این اثر با مقدمه قیصری مشخص شد که این کتاب در حقیقت ترجمه مقدمه قیصری است نه شرح آن، هرچند خود خلوتی گفته است که این اثر «شرحی بل ترجمه» است و در برگ آخر نسخه گفته شرح مقدمه قیصری است. عناوین فصول هر دو اثر اختلاف جزئی با هم دارند (قیصری، ۱۳۷۵ ش: صص ۵-۶).

۳- خلوتی در آرزوی شرح کاملی بر فصوص الحکم به زبان فارسی

خلوتی در آرزوی آن بوده است که شرح کاملی از فصوص الحکم ابن عربی به زبان فارسی را به این مقدمه الحاق نماید. او در این باره چنین می‌گوید:

زبان را بعد ازین با خویش دارم که کاری به ازین در پیش دارم

اگر حضرت عزت بلطف کامل و عنایت شامل تاخیری در اجل کرامت فرماید و آفتاب امنیت خاطر فقیر حقیر عبدالرحیم خلوتی را بنقطه حمل امل رساند مطمح نظر آنست که شرحی کافی از برای کتاب فصوص بزبان فارسی بدین مقدمه شریفه الحاق رود» (برگ آخر نسخه خطی الدقایق فی معرفة الحقایق کتابخانه ملی، تصویر ۵).

۴- گرایش عبدالرحیم خلوتی به تشیع و فرقه‌های عرفانی شیعی

تا قرن نهم هجری اکثر پیران و مشایخ آذربایجان در اصول عقاید متأثر از جریان کلامی اشاعره و در فروع تابع فقه شافعی بودند و در سخنان مشایخ این سامان، انعکاس معتقدات اهل سنت و جماعت و گرایش‌های اشعری مآبانه به شیوه امام محمد غزالی به وضوح دیده می‌شود اما پس از این دوره رفته رفته تمایلات شیعی نیز در میان متصوفه آذربایجان پدید می‌آید و منابع تاریخی از وجود و فعالیت خانقاه‌ها و تکیه‌های نعمت‌اللّهی و نوربخشی و ذهبی و صفوی، که شیعی یا متمایل به تشیع‌اند، خبر می‌دهند (موحد، ۱۳۹۰ ش: صص ۸-۱۶).

از مهم‌ترین اوصاف تصوف قرن هشتم و نهم، هم‌زمان با دوره حیات خلوتی، ظهور علایق شیعی در مشایخ صوفیه و رواج و قدرت یافتن سلسله‌های صوفیانه شیعی، از جمله سلسله صفویه و نوربخشیه و نعمت‌اللّهی است (صفا، ۱۳۷۸ ش: ۴/ صص ۵۳، ۵۴، ۷۷، ۷۸).

از بررسی دوزندگی نامه قدیم درباره احوال شاه نعمت‌الله ولی، نوشته عبدالرزاق کرمانی و عبدالعزیز شیر ملک واعظی چنین برمی‌آید که پدر خلوتی، شمس‌الدین الاقطابی، خلیفه شاه نعمت‌الله در تبریز بوده. به این ترتیب احتمال می‌رود خلوتی هم با بنیانگذار سلسله نعمت‌اللّهی مستقیماً آشنائی داشته است (ژان اوبن، ۱۳۶۱ ش: صص ۱۱۰ و ۲۰۸). همچنین خدمت خواجه علی صفوی و تصنیف اثری برای شیخ شاه ابراهیم صفوی (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/ صص ۲۲۵)، نشان‌دهنده

ازادت خاندان مشرقی و فرزندان او به طریقه عرفانی صفویه و شیخ اردبیلی است. همچنین ذکر نام اهل بیت (ع) مانند حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در آثار خودش و کتابت صحیفه سجادیه، تمایلات شیعی او را می‌رساند.

۵- تذکره عرفا

خلوتی در پایان فصل نهم کتاب *الدقائق فی معرفه الحقایق*، آورده است: «مؤلف این کتاب، عبدالرحیم خلوتی، داد این معنی در رساله‌ای که به زبان تازی نوشته، مسمی به تذکره داده» (نسخه کتابخانه ملی، برگ ۴۷). همچنین یکی از منابعی که ابن کربلایی هنگام تالیف کتاب *روضات الجنان* در شرح احوال برخی از عرفای تبریز چون شرف الدین طارمی، ابومنصور محمد حفدا عطاری طوسی، بابا فرج گجیلی، مولانا یاراحمد و شیخ اسماعیل سیسی بهره می‌گیرد، نوشته‌های خلوتی است و با چنین عباراتی از او یاد می‌کند: «خواجه عبدالرحیم خلوتی نوشته» یا «بخط شریف خواجه عبدالرحیم خلوتی دیده‌اند (دیده شد)» یا «از خط شریف عارف خلوتی رحمه الله نقل شده» (۱۳۴۹ ش: ۱/صص ۵۲، ۱۵۶، ۲۲۲، ۲۸۷، ۳۷۷؛ ۲/صص ۱۰۶، ۱۰۲). این موضوع نشان می‌دهد که خلوتی اثری تذکره‌گونه در شرح احوال عرفای خطه تبریز داشته است.

۶- تاثیرپذیری خلوتی از اندیشه‌های حروفیه

حروفیه، پیروان فضل الله نعیمی استرآبادی (متوفی ۷۹۶ ق) و زیرمجموعه جنبشی سیاسی - اجتماعی بودند که با عناصری از تصوف، باطنی‌گری، آموزش‌های اسماعیلیان و غالیان در اواخر سده هشتم شکل گرفته بود. چون فضل الله برای حروف، ویژگی‌های اسرارآمیز قائل بود، به فضل الله حروفی مشهور شد و پیروانش به حروفیه شهرت یافتند (کیا، ۱۳۳۰ ش: ص ۹). این مکتب در ایران و عثمانی و مصر پیروان فراوانی یافت (گولپینارلی، ۱۳۷۴ ش: ص ۳۶) ولی در خلال قرن‌ها، پیروانش به اتهام داشتن عقاید بدعت‌آمیز، در این ممالک سرکوب و قتل عام شدند.

مهم‌ترین منبعی که درباره حروفیه تبریز، اطلاعاتی داده است، کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* حافظ حسین کربلایی است (۱۳۴۹: جزء اول/صص ۴۷۸-۴۸۱). این اثر به واقعه حروفیه در تبریز - که در ایام جهان‌شاه قراقویونلو اتفاق افتاده - و کشتار حروفیه در این شهر اشاره کرده است (بدره‌ای، ص ۹۷). همچنین شیخ فضل الله حروفی، بنیانگذار فرقل حروفیه، دو سال (۷۷۶-۷۷۸ ق) در تبریز اقامت داشت و در همان جا اعلام کرد که حق بر او تجلی کرده و اسرار و حقایق در نظرش آشکار شده است. در نتیجه تیمور به پسرش میرانشاه دستور قتل او را داد (عسقلانی، ۱۳۹۲ ق: ص ۲۱۹). جهان‌شاه معروف‌ترین پادشاه سلسله قره قویونلوهاست که شاهرخ تیموری در سال ۸۳۹ ق حکومت آذربایجان را به او سپرد. کشتار حروفیان تبریز از دیگر وقایع روزگار اوست (مشکور، صص ۶۳۸، ۶۸۹-۷۰۲). این وقایع هم‌زمان با حیات خلوتی در تبریز بود. از سوی دیگر - همچنان که در بالا اشاره کردیم - کتاب *مفاتیح الغیب* خلوتی در علم حروف و اسرار می‌باشد (آقابزرگ، ۲۱/ص ۳۰۵) که شاید همان کتاب فی التصوف علی طریق الحروف باشد که در صفحه عنوان نسخ خطی شرح النصوص *مفتاح الفصوص* آمده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در زمان حیات خلوتی، اندیشه‌های حروفیه در تبریز حکفرما بوده و احتمال تاثیرپذیری او از حروفیه وجود دارد.



تصویر ۲: صفحه عنوان نسخه کتابخانه ملی

کمال حسن و ارشاد خاتم مدقق مجتبی الخوئی و ایدر رضی الله عنه و آرضاه خصوصاً بر حل مشکلات
 و کشف معضلات کتاب فصوص حکم که از معظمت مصنفات آن بزرگسایت
 مصروف بود این ایام تمییز نمودند که مقدمه که در حل مشکلات آن مصنف بدیع و سایر
 مصنفات شیخ مشارالیه و تلامذه آن کامل مبین و مفید باشد مدلل با دله استند
 بزبان فارسی نویسی اگرچه آیاتین معرفت و سیلابین ممالک کشف و حقیقت
 در فن نبوت و علم توحید مصنفات بسایر و موافقات بی شمار دارند اما اکثر
 مصنفات ایشان بنوعی عربیت موثع است و اکثرت آنرا این روزگار روزگار
 بیب ثلث مبالات و عدم التفات بمبایب و مستحبات عربیت و حکمی و منطقی
 و کلامی و سیاقی از فهم آیات کلمات و ادراک اشعارات و عبارات ایشان
 فاصدند و اگرچه غیبه حقیر تصور باع در مقام کشف و اطلاع و قلت منابع معرفت آن
 چند است صیق عطن و وطن خود را در دارالملک تحتش بدان قوی می بود زیرا که
 ماخذ و مشارب این قیسم از ادکار انکار مرتفع و مدار و مارب او از اکثر عثول
 و او نام تمنع است این معینی انجام می نمود اصحاب و طلاب مرتبه بعد حسری
 اقدام می نمودند لاجرم بعد از استجاده و استخاره جنابک داب و دیدن اهل الله است
 مقدمه شیخ عالم عارف کامل موصد شرف ایدر رضی الله عنه را که از برای شرح فصوص
 نوشته سیرجی بل ترجمه بزبان فارسی نوشت و بحاله الوفا را برد و ازده مفضل
 و بر اصلی شتمل کرد ایند و مرفیضی را بر چند دقیقه و ثبیه و مساعدت محوی ساخت

بلاغ نور قدس
 و باقیه شرح فصوص

تصویر ۳: مقدمه نسخه کتابخانه ملی



تصویر ۵: برگ آخر کتاب الدقایق فی معرفة الحقایق نسخه کتابخانه ملی

نویافته هایی از حیات عرفانی، ادبی و هنری عبدالرحیم خلوتی

ب- شعر

۱- بهره‌گیری از زبان شعر برای تبیین و نشر اندیشه‌های عرفانی

به استناد سروده‌هایی که از خلوتی در نسخ خطی یاد شده آمده است، زبان شعر او متأثر از سبک شعری و فضای ادبی رایج در قرن نهم هجری است که مختص بیان مضامین و مفاهیم عرفانی است و ویژگی‌های آوایی و ترکیب‌واژگانی خاص غزلیات عارفانه را به خوبی در خود جمع دارد. قالب عمده اشعار خلوتی غزل است که شاعران سبک عراقی در قرون هفتم و هشتم هجری به آن بسیار پرداخته‌اند و ظرف بیان اندیشه‌های عرفانی خویش قرار داده‌اند.

۱-۱ آرایه‌های ادبی در خدمت آموزه‌های تصوف

قابلیت‌های بلاغی و وجوه هنری اشعار خلوتی نیز شایان توجه است. اشعار به جای مانده از او از حیث فنون بلاغت و صناعات ادبی در سطح مطلوبی قرار دارد. چنان‌که گفته شد، عرفان، هسته مرکزی سروده‌های خلوتی را تشکیل داده است و تلاش او در ترکیب و امتزاج مسائل و عوالم عرفان و تصوف با ظرافت‌های ادبی و انتقال آن در جامه شعر شایسته توجه و بررسی است؛ چنان‌که شروحنی که بر دو منظومه عرفانی متعلق به ابن فارض و شیخ محمود شبستری نوشته است، از توجه جدی او به عرفان و تصوف حکایت دارد.

۳- نظیره‌گویی و جواب‌گویی

از دیگر ویژگی‌های شعری خلوتی، اقتباس مضامین و نظیره‌گویی است. وی در این عرصه به شیوه شاعران دوره بازگشت ادبی، متأثر از شاعران برجسته سبک عراقی و در رأس آنها حافظ شیرازی است. در دوره وی تقلید از شاعران گذشته و نظیره‌سازی و جواب‌گویی به اشعار، رسم رایجی بود. این سنت بعدها در شعر فارسی ادامه پیدا کرد تا به سبک مستقلی موسوم به «بازگشت ادبی» شد. خلوتی هم به اقتضای زمان از این امر مستثنا نبوده و به اشعار حافظ سخت تمایل داشت و بسیاری از ترکیب‌بندها و مضامین را از سخن بلند او گرفت و بسیاری از غزلیات خواجه را جواب گفت. به عنوان نمونه، این غزل خلوتی را از نظر می‌گذرانیم:

سر کوهی گزیده‌ام که می‌پرس	بمقامی رسیده‌ام که می‌پرس
در فضای حظیره لاهوت	با کسی آرمیده‌ام که می‌پرس
در طریق خمول و فقر و فنا	از بلاها [کذا] رهیده‌ام که می‌پرس
از لب ساقیان سیمین ساق	جرعه‌ها درکشیده‌ام که می‌پرس
از سر کوه نیستی ناگه	در حریمی خزیده‌ام که می‌پرس
رخت هستی ز عالم صورت	بجهانی کشیده‌ام که می‌پرس
بپر و بال خلوتی ناگه	بفضایی رسیده‌ام که می‌پرس

(نسخه خطی مجمع الشعراء، ص ۲۷۳)

غزل یادشده به اقتفای یکی از غزل‌های حافظ با مطلع زیر سروده شده که در همین نسخه خطی آمده است:

درد عشقی کشیده‌ام که می‌رس زهر هجری چشیده‌ام که می‌رس

(نسخه خطی مجمع الشعراء، ص ۲۷۱)

نمونه دیگر، غزل دیگری است با مطلع:

من که از سوز غمت هر شب گدازانم چو شمع کی بود کز تیغ تو یک بوسه بستانم چو شمع

(نسخه خطی مجمع الشعراء، ص ۲۹۸)

که به اقتفای غزل حافظ با مطلع زیر سروده شده که اتفاقاً در همین صفحه نسخه خطی ذکر شده است:

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع شب‌نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع

(نسخه خطی مجمع الشعراء، برگ ۲۹۸)

۳-۱- شروحو بر متون منظوم عرفانی

خلوتی علاوه بر دیوان شعر، چندین اثر دیگر در شرح متون عرفانی منظوم نوشته است. شروح او بر دو متن مهم ادبی عرفانی فارسی و عربی یعنی شرح برقصیده میمیه خمیره ابن فارض و شرحی بر بعضی از ابیات مشکله گلشن راز شبستری، نشانه علاقه او به ادبیات عرفانی است (لوئیسون، ۱۳۶۸ ش: ص ۳۱).

۴- فهلویات

باتوجه به این که بخش عمده‌ای از فهلویات مربوط به تبریز از مغربی تبریزی است، خلوتی شاگرد بلافصل او، نیز اشعاری در قالب دوبیتی به زبان پهلوی آذربایجانی (فهلویات) داشته است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

شونه ژین پاسه بومنده نه ژان پاس نرمه نرم آمره کیلم بنشناس

وامنش واته شروینا ته جوبی زین حماریج وژین جهنام ووسواس

(رساله شصت و چهارم از مجموعه‌ای اهدایی محمدصادق طباطبایی به کتابخانه مجلس به نقل از طرزمی و طلوعی آذری، ۱۳۹۹ ش: ص ۳۲۴)

ج- خوشنویسی

۱- خانواده‌ای هنرمند

پدر خلوتی، شمس مشرقی را الحبر المدققین و قبة الكتاب و الخطاطین می‌دانند (مقدمه دیوان نسخه خطی دیوان شمش مغربی به نقل از میرعبدینی، ۱۳۸۲ ش: ص ۱۴). خلوتی در خوشنویسی از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌رفت و سند خط استادان آذربایجان و خراسان بدو می‌پیوندد. او و برادرش، خواجه عبدالحی (متوفی ۸۲۵ ق)، بسیار خوش می‌نویسیدند.

نوشتند و هر دو در خوشنویسی شاگرد پدر خود بودند (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ص ۸۳). ظاهراً خلوتی به دلیل اشتغال به علوم ظاهری و باطنی، کمتر به خطاطی می‌پرداخت و آن امر را به برادر بزرگ خود خواجه عبدالحی واگذاشت اما بعد از مرگ بردارش و حسب نیاز و درخواست مردم، دوباره به خوشنویسی روی آورد. مولانا نعمت‌الله بواب، مولانا محمد خلیلی، محمد بن بهاء‌الدین بن محمد عباسی سنقری همدانی و مولانا عبدالواسع از جمله شاگردان خلوتی بودند که هنر خطاطی را از او فراگرفتند (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/ صص ۸۴-۸۸).

مشهور است که عبدالرحیم خلوتی در چهل روز یک مصحف می‌نوشت و به طریق لطیفه می‌فرموده‌اند که ما به چله می‌نشینیم و یک مصحف بیرون می‌آوریم و دیگر درویشان که می‌نشینند، چه بیرون می‌آورند؟ (همانجا)

۲- جایگاه عبدالرحیم خلوتی در هنر خطاطی

قطب‌الدین محمد قصه‌خوان (متوفی ۹۷۲ ق) خطاطان آذربایجان، عراق، خراسان، فارس و کرمان را ریزه‌خوار سفره‌استاد مولانا شمس‌الدین مشرقی و پسرش عبدالرحیم خلوتی می‌داند و سایر نویسندگان چون ابن کربلایی، حشری و احمد قمی نیز این مطلب را تایید کرده‌اند (ابن کربلایی، ۱۳۴۹ ش: ۱/ صص ۸۴-۸۸؛ حشری، ۱۳۷۱ ش: صص ۳۷۰-۳۷۱؛ احمد قمی، ۱۳۵۹ ش: صص ۲۸، ۲۵).

در گلستان هنراز عبدالرحیم خلوتی به عنوان یک خوشنویس یاد می‌شود و به استاد او معین‌الدین (۱۳۵۲ ش: ص ۲۵) و شاگردش مولانا نعمت‌الله بواب (۱۳۵۲ ش: ص ۲۸) در این هنر اشاره شده است.

۳- نمونه خط

یک قطعه از مرقع مالک به خط خلوتی در موزه طوپقاپو سرای و کتابت صحیفه سجادیه با ترجمه‌ای کهن به فارسی به سال ۷۹۱ ق از نمونه‌های خط ایشان می‌باشد (تصویر) که دست‌مایه خوبی برای هنرمندان است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به جایگاه رفیع عبدالرحیم خلوتی در سه حوزه عرفان، ادبیات و هنر، شخصیت فرهنگی، ادبی و هنری او نیازمند بررسی تخصصی از سوی صاحب‌نظران هر یک از این عرصه‌هاست و این مقاله درآمدی بر پژوهش‌های آتی می‌باشد. برای تبیین دقیق و مستند حیات عبدالرحیم خلوتی، تصحیح آثار خطی این عارف، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تاثیرپذیری عبدالرحیم خلوتی از اندیشه‌های ابن عربی و حروفیه، تمایلات شیعی، شناسایی آثار خطی و ترسیم جایگاه ادبی و هنری او از جمله نویافته‌های این مقاله می‌باشد. خلوتی به عنوان یک عارف به هنر بها می‌دهد و در واقع احوال خوش‌عرفانی، وی را به هنری همانند شعر و خوشنویسی آن هم کتابت قرآن و متون دینی چون صحیفه سجادیه سوق داده است و از زبان شعر برای تبیین و نشر اندیشه‌های عرفانی بهره‌جسته است.

منابع:

- ابن کربلایی، حسین. (۱۳۴۹). *روضات الجنان و جنات الجنان*. به تصحیح جعفر سلطان‌القرائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
احمد قمی. (۱۳۵۲). *گلستان هنر*. به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- آزند، یعقوب. (۱۳۶۹). حروفیه در تاریخ. تهران: نشر نی.
- افشار، ایرج و محمد تقی دانش پژوه. (۱۳۴۴). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر ۴. تهران: دانشگاه تهران.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. بی تا. الذریعة إلى تصانیف الشیعة. بیروت: دارالاضواء.
- آملی، سید حیدر. (۱۳۶۷). المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم. تصحیح هنری کربین و عثمان اسماعیل یحیی. تهران: انتشارات توس.
- اوبن، ژان. (۱۳۶۱). مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی کرمانی. تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- بیانی، مهدی. (۱۳۸۵). احوال و آثار خوشنویسان. ج ۴. به کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: دانشگاه تهران.
- تربیت، محمد علی. (۱۳۱۴). دانشمندان آذربایجان. تهران: مجلس.
- حشری، محمد امین. (۱۳۷۱). روضه اطهار. به کوشش عزیز دولت آبادی. تبریز: ستوده.
- خلوتی، عبدالرحیم. (۸۲۵ ق). الدقایق فی معرفة الحقایق. کتابخانه ملی. شماره بازیابی ۵-۳۲۲۳۷.
- دانش پژوه، محمد تقی. (۱۳۶۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. جلد ۱۷. تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۶). فهرستواره دستنویست‌های ایران. ج ۱۱. تهران: کتابخانه مجلس.
- دغیم، محمود. (۲۰۱۶ م / ۱۳۴۷ ق). فهرس المخطوطات العربیة و التریکیة و الفارسیة فی مکتبة راعب پاشا. جده: موسسه السقیفه العلمیه.
- دولت آبادی، عزیز. (۱۳۷۷). سخنوران آذربایجان. تبریز: ستوده.
- سبحانی، توفیق. (۱۳۷۳). فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سجادی، ضیاء الدین. (۱۳۳۶). کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعراء. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن. بی تا. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع. بیروت: دار مکتبة الحیاه.
- شمس مشرقی، محمد. (۱۳۸۲). دیوان شمس مشرقی. تحقیق ابوطالب میرعابدینی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شمس مغربی، محمد شیرین بن عزالدین. (۱۳۵۸). دیوان کامل شمس مغربی: شامل غزلیات، ترجیعات، رباعیات، فهلویات. تحقیق ابوطالب میرعابدینی. تهران: زوار.
- قاسمی، مسعود. (۱۳۹۴). صحیفه سجادیه با ترجمه ای کهن به فارسی (نسخه برگردان دستنویس شماره ۴۳۴ کتابخانه میرزا محمد کاظمینی یزد). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی. تهران: فردوس.
- طاش کوپری زاده، احمد. (۱۴۰۵ ق). الشقائق النعمانیة. به کوشش احمد صبحی فرات، استانبول.
- طرزومی، سعید و عبدالله طلوعی آذر. (۱۳۹۹). «بررسی نمونه‌های فهلویات در شعر شاعران تبریز». آینه میراث، دوره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۱۱-۳۳۱.
- عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۹۲ ق). ابناء الغمر بانباء العمر. حیدرآباد دکن.
- قصه‌خوان، قطب الدین محمد. (۱۳۹۴). دیباچه قطب الدین محمد قصه‌خوان بر مرقع شاه طهماسب. مشهد: موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- قیصری، محمد داوود. (۱۳۷۵). شرح فصوص الحکم. به کوشش جلال الدین آشتیانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاشفی، علی. (۱۳۵۶ ش). رشحات عین الحیات. به کوشش علی اصغر معینیان. تهران: بنیاد نیکوکاری نوربانی.
- کیا، محمد صادق. (۱۳۳۰). واژه‌نامه گرگانی. تهران: دانشگاه تهران.

- گولپینارلی، عبدالباقی. (۱۳۷۴). فهرست متون حروفیه. ترجمه ه. سبحانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لوئیسون، لئونارد. (۱۳۶۸). «مشرقی تبریزی». فصلنامه صوفی. شماره ۵. زمستان ۱۳۶۸. صص ۳۰-۳۶.
- مجمع الشعراء. کتابخانه مجلس سنا. شماره بازیابی ۵۳.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۸۱). نزهة القلوب (مقاله سوم). به کوشش محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران: انجمن آثار ملی.
- معصومی، محمدرضا و همکاران. (۱۴۰۲). «معرفی و بررسی نسخه خطی شرح خلوتی تبریزی بر مقدمه شرح قیصری». پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون. دوره ۲، صص ۱۶۷-۱۹۹.
- منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ئی.
- موحد، صمد. (۱۳۹۰). سیری در تصوف آذربایجان. تهران: انتشارات طهوری.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم. تهران: فروغی.
- دانش پژوه، محمدتقی و عبدالله انوار. بی تا. فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا. ج ۱.
- خلوتی، عبدالرحیم. (۱۱۲۵ ق). شرح النصوص مفتاح الفصوص. کتابخانه راغب پاشا. شماره بازیابی ۶۹۹.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- خلوتی، عبدالرحیم. (بی تا). دقائق در معرفت حقایق. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. شماره بازیابی ۸۶۰.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۳۷۳). مصنفات شیعه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- وزین، محمد و دیگران. (۱۳۹۰). معجم المخلوطات النجفیه. تهران: وزارت امور خارجه.
- ولایی، مهدی. (۱۳۲۵). فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد: چاپخانه طوس.